

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

علوی

# عربی، زبان قرآن ۲ (پایه یازدهم)

بشیر حسین زاده

مجموعه کتابهای همراه علوی

# سخن‌ناستر

به نام آن‌که هستی نام از او یافت

کتاب پیش رو، مجموعه‌ای از اهم مباحث و نکات تحت عنوان درس‌نامه و همچنین تعداد قابل توجهی سؤال چهار گزینه‌ای تألیفی و گردآوری شده توسط برترین مدرسان کشور می‌باشد. شبان به ذکر است تقریباً تمام سؤالات کنکورهای سراسری سال‌های گذشته نیز که با کتاب جدید هم‌خوان هستند، در این کتاب گردآوری شده است. برای تمامی سؤالات، پاسخ‌نامه تشریحی کامل در اختیار شماست و در تمام قسمت‌ها، مؤلفین محترم نکته‌ای آموزشی و تحلیلی را نیز به پاسخ‌نامه اضافه کرده که این امر سبب شده است تا این کتاب، علاوه بر از ایجاد آشنایی مخاطب با نحوه پرسش و الگوی پاسخ‌گویی، به یادگیری و تکمیل اطلاعات علمی دانش‌آموز نیز کمک کند؛ و مهم‌تر از همه این‌که در تمام سؤالات و پاسخ‌ها، الگوی اسنادار د سؤالات کنکور در اولویت قرار داشته است.




از شما نیز خواهش می‌کنیم تا ایده‌ها و فکرهای بکر خود را در زمینه ارتقاء و بهبود این کتاب آموزشی با ما در میان بگذارید.

امیدواریم این کتاب قدمی، هر چند کوچک، در مسیر فراگیری علم و رشد آموزشی ایران عزیزمان باشد.

راهنمای استفاده از کتاب:

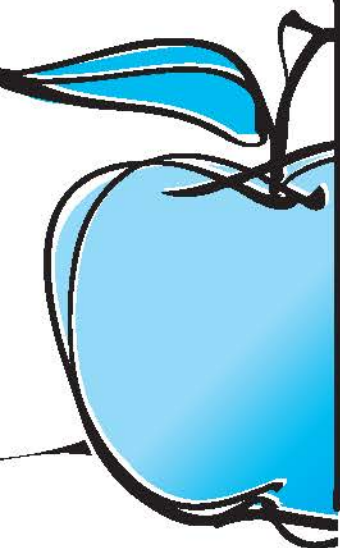
۱) ابتدا جزوه آموزشی دبیر خود را به‌عنوان منبع اصلی و پس از آن، درس‌نامه هر قسمت را که در شروع فصل آمده، با دقت مطالعه کنید.

در جریان باشید که:

سطح سؤالات در پاسخ‌نامه مشخص شده است که جهت ارزیابی و تخمین زمان پاسخ‌گویی می‌توانید از آن‌ها استفاده کنید. سؤالات آسان با نماد ، سؤالات متوسط با نماد  و سؤالات دشوار با نماد  مشخص شده است.

شماره سؤالاتی که با رنگ خاکستری مشخص شده‌اند، سؤالات تشبیهی می‌باشند.

۲) در آخر هر فصل، سؤالات جامع و ترکیبی همان فصل با عنوان آزمون قرار داده شده است؛ از این آزمون‌ها نیز جهت ارزشیابی و سنجش میزان یادگیری می‌توانید بهره ببرید.



به نام حضرت دوست / که هر چه داریم از اوست

دوستان خوبم، دانشجویان آینده‌ساز فردا

سلام و خداقوت

امیدوارم یکایک لحظاتتان همراه با تلاش و امیدواری باشد.

در کتابی که پیش روی شماست، در هر درس سعی نموده‌ایم با نگاهی دقیق و موثکافانه محتوای کتاب درسی‌تان را از مفردات (لغات و اصطلاحات)، مفهوم متن‌ها و قواعد (ادبیات عرب) هر درس، بررسی و شرح دهیم و در کنار آن بلافاصله تعداد قابل‌توجهی تست استاندارد همراه نکات مفهومی جهت آموزش و تثبیت درس با پاسخ تشریحی قرار داده‌ایم.

و در پایان یک آزمون جامع همراه پاسخ از همه مطالب آن درس طراحی نموده و خدمتتان تقدیم کرده‌ایم.

در تدریس نکات و حل سوالات، حداکثر تلاشمان را کرده‌ایم تا با بیانی مختصر و مفید اما جامع، کلیه مطالب مهم و قابل استفاده عزیزان داوطلب را لحاظ کنیم و از پرداختن به موضوعات غیرضروری پرهیز نماییم.

امیدواریم بتوانیم گام‌هایی هرچند کوتاه اما مؤثر در جهت پیشرفت شما در درس عربی که این روزها تهدید نسبتاً بزرگی برای اکثر داوطلبان بوده است، برداریم و به یاری خدا و همت و پشتکار خودتان با کمک معلمان دلسوزتان، آن را از یک تهدید

به یک فرصت استثنایی برای کسب نتایج و رتبه‌های برتر تبدیل کنیم.

اما در طی این مسیر دوستان و همکاران گرانقدری ما را یاری نمودند:

که جا دارد به مصداق «مَن لَمْ یَشْکُرِ الْمَخْلُوقَ لَمْ یَشْکُرِ الْخَالِقَ» از ایشان

گذردانی نماییم:

مدیریت محترم مؤسسه علوی جناب آقای لواسانی

مدیر محترم تألیف و تولید جناب آقای مجتهدین

سرکار خانم کیانی عزیز که با تماس‌ها و پیگیری‌های مستمر زمان آماده‌سازی را به حداقل رساندند.

و سایر همکاران دست‌اندرکار که نامشان از قلم افتاد.

و اما سخنی با همکاران گرانقدر و دانش‌آموزان برتر:

طبیعتاً هر اثر انسانی، خالی از اشکال نخواهد بود بنابراین خواهشمندیم لطف نموده ما

را از بیان نظرات، انتقادات و پیشنهادات سازنده خود بهره‌مند نمایند.

پل‌های ارتباطی با ما عبارتند از:

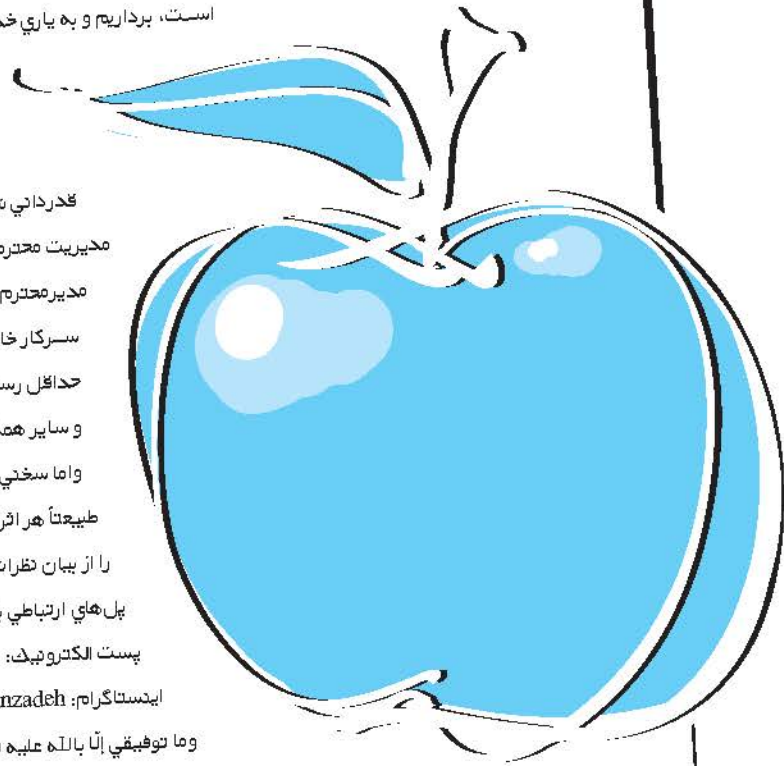
پست الکترونیک: bashirhz1391@gmail.com

اینستاگرام: bashir.hosseinzadeh

و ما توفیقی، اِنَّا بِاللَّهِ عَلَیْهِ تَوَكَّلْتُ و اِلَیْهِ اُنْبِیْ

تقدیم به همه اساتید و معلمان گرانقدرم از ازل تا ابد، پدر و مادر دلسوزم و خانواده عزیزم

بشیر حسین زاده

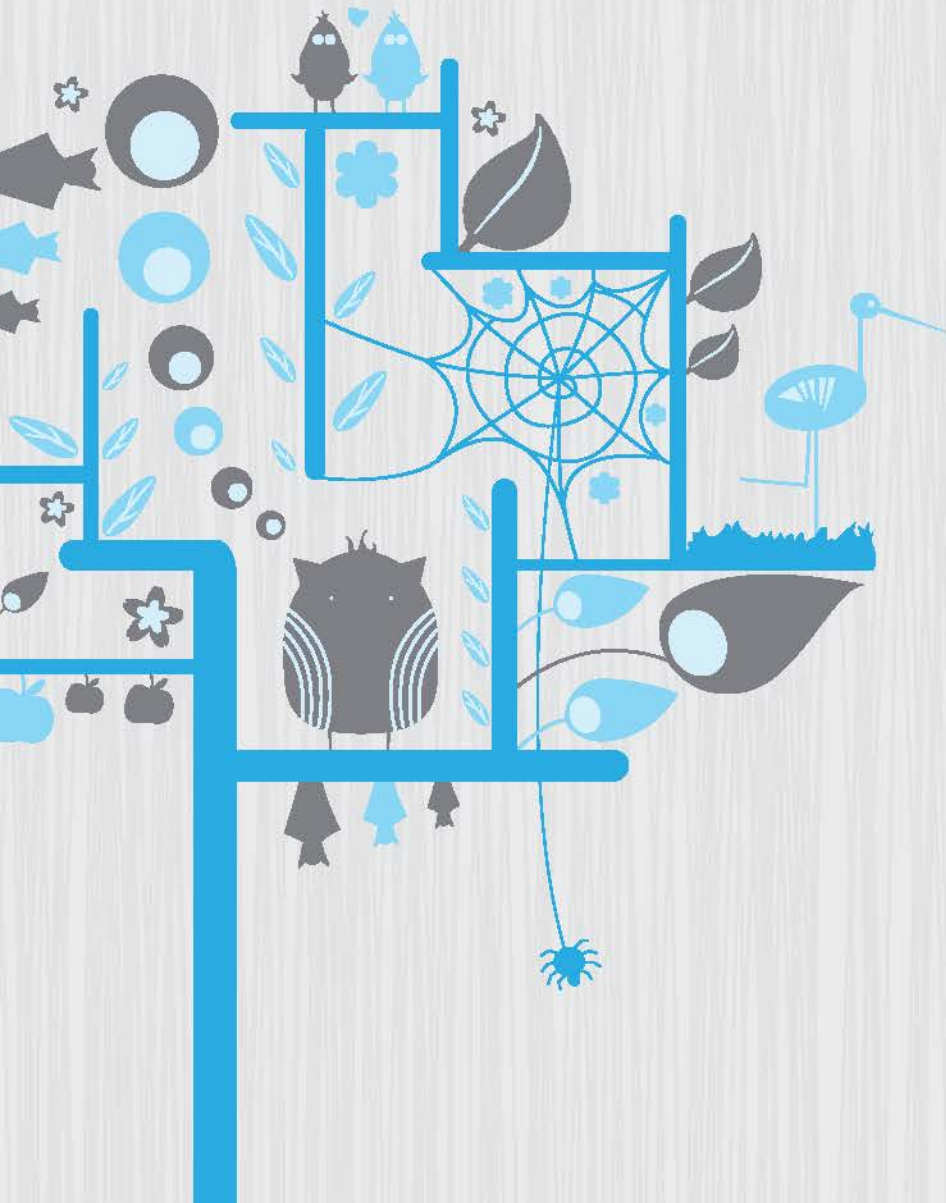




## تقدیم به:

همه آن‌ها که تا امروز در مسیر آموزش تلاش کرده‌اند. [■]

و شما که قرار است در آینده نزدیک، نقش علمی مهمی ایفا کنید. [■]



# فهرست

٧ الدرس الأول: مِنْ آيَاتِ الْأَخْلَاقِ + اسْمُ التَّفْضِيلِ وَ اسْمُ الْمَكَانِ + حِوَارٌ فِي سَوْقِ مَشْهَد



٢٨ الدرس الثاني: فِي مَحْضَرِ الْمُعَلِّمِ + اسْلُوبُ الشَّرْطِ وَ أَدَوَاتُهُ



٤٩ الدرس الثالث: عَجَائِبُ الْأَشْجَارِ + الْمَعْرِفَةُ وَ النَّكْرَةُ + حِوَارٌ فِي الْمَلْعَبِ الرِّيَاضِيِّ



٧١ الدرس الرابع: آدَابُ الْكَلَامِ + الْجُمْلَةُ بَعْدَ النَّكْرَةِ



٩٣ الدرس الخامس: الْكِذْبُ مِفْتَاحُ لِكُلِّ شَرٍّ + تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (١) + حِوَارٌ فِي الصِّيدَلِيَّةِ



١١٧ الدرس السادس: أَنَّهُ مَارَى شَيْمِلِ + تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ



١٤٣ الدرس السابع: تَأْتِيرُ اللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ عَلَى اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ + مَعَانِي الْأَفْعَالِ النَّافِصَةِ + حِوَارٌ مَعَ الطَّبِيبِ



١٦٩ القسم الأخير: مسابقات







## الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

مِنْ آيَاتِ الْأَخْلَاقِ + إِسْمُ التَّفْضِيلِ وَ اسْمُ الْمَكَانِ + حِوَارٌ فِي سَوْقِ مَشْهَدٍ

### المُعْجَم (واژگان جدید)

بعض... بعض: یکدیگر	إِتَّقَى: پرهیز کرده، ترسید
بِنَفْسَيْهِ: بنفس	أَتَمَّهُ: کامل می‌کنم، تمام می‌کنم
تَجَسَّسًا: جاسوسی کرد	أُنْقَلَ: سنگین‌تر
تَخْفِيفًا: تخفیف	إِثْمًا: گناه
تَسْمِيَةً: نامیدن، نام‌گذاری کرد	أَدْعَى: دعوت کن
تَنَابُؤًا بِالْأَلْقَابِ: به یکدیگر لقب‌های زشت دادن	إِسْتَهْزَأَ: مسخره کردن
تَوَاصَلَ: ارتباط با یکدیگر	أَسْوَى: شبانه حرکت کرد
تَوَابًا: بسیار توبه‌کننده، بسیار توبه‌پذیر	إِغْتَابًا: غیبت کرد
جَادَلَ: بحث و جدل کرد	بَشَسًا: چه بد است!



لَمَزٌ: عیب گرفت
لَقَبٌ: لقب داد
مَخْزُنٌ: انبار
مَصْنَعٌ: کارخانه
مَطْبِخٌ: آشپزخانه
مَطْبَعَةٌ: چاپخانه
مَطْعَمٌ: رستوران، غذاخوری
مَلْعَبٌ: ورزشگاه
مَنْزِلٌ: خانه
مُهْتَدِيٌّ: هدایت‌پذیرنده، هدایت‌شونده
مَيْتٌ: مرده
مِيزَانٌ: ترازو
نَوْعِيَّةٌ: جنس
نَهَى: نهی کرده، بازداشت

حَسَنٌ: تحسین کرده، نیکو گردانید
حَرَامٌ: حرام کرد
خَفِيٌّ: پنهان
زَمِيلٌ: همکار
سَاءٌ: بد شد
سَاتِرٌ: پوشاننده
عَابٌ: عیب‌جویی کرد
عَذَابٌ: عذاب داد
فُسُوقٌ: کار زشت کردن
فَضَحٌ: رسوا کردن
قَدٌّ: گاهی (در کنار فعل مضارع)
كِبَائِرٌ: گناهان کبیره (جمع کبیره)
كَوْهٌ: ناپسند داشت
لَحْمٌ: گوشت



## المترادفات

ذَنْبٌ = إِثْمٌ
السُّعْرُ = الثَّمَنُ
الكَرْبَهُ = القَيْحُ
الإِسْتِهْزَاءُ = السَّخَرِيَّةُ

المَحَاوَلَةُ = الإِجْتِهَادُ = السَّعْيُ
أُرِيدُ = أَطْلُبُ
عَسَى = رُبَّمَا
يَنْهَى = يَمْنَعُ

## المتضادات

ضَلَّ ❖ إِهْتَدَى
أَقَلَّ ❖ أَكْثَرَ
يَكْرَهُ ❖ يُحِبُّ
المَيِّتُ ❖ الْحَيُّ
التَّوَاصُلُ ❖ التَّقَاطُعُ

بِئْسَ ❖ نِعْمَ
حَرَمٌ ❖ أَحَلٌّ
الخَفِيُّ ❖ الظَّاهِرُ
الرَّخِيسُ ❖ الغَالِي
سَوْءُ الظَّنِّ ❖ حُسْنُ الظَّنِّ
سَاءٌ ❖ حَسَنٌ



### اسم تفضیل



هرگاه بخواهیم یک فرد را بر فرد یا افراد دیگری و یا یک گروه را بر گروه یا گروه‌های دیگری «برتری» بدهیم، از اسم تفضیل استفاده می‌کنیم. در فارسی به آن صفت برتر یا عالی می‌گوییم. معمولاً اسم تفضیل برای اسم مذکر بر وزن «أفعل» و برای اسم مؤنث بر وزن «فُعَلَى» می‌آید.

**مثال:** أَفْعَل: أَكْبَر، أَصْغَر، أَعْظَم، أَجْمَل، أَفْضَل، أَحْسَن

فُعَلَى: كُبْرَى، صُغْرَى، عُظْمَى، جُمَلَى، فَضْلَى، حُسْنَى

✓ اگر تفضیل و برتری، درباره یک فرد به فرد دیگر و یا یک گروه بر گروه دیگر باشد، به صورت «أفعل + مِن» می‌آید که در فارسی به صورت صفت برتر ترجمه می‌شود.

**مثال:** فَاطِمَةُ أَفْضَلُ مِنَ زَيْنَبَ فِي الصَّفِّ.

حسن أكبر من حسین فی الأسرة.

قوم عیسی (ع) أكثر من قوم موسی (ع) فی العالم.

✓ اگر تفضیل و برتری، درباره یک فرد بر افراد دیگر باشد:

برای مذکر به صورت «أفعل + جمع مذکر» و یا «الأفعل» می‌آید.

برای مؤنث به صورت «فُعَلَى + جمع مؤنث» و یا «الفُعَلَى» می‌آید.

که در فارسی به صورت صفت عالی ترجمه می‌شود.

**مثال:** عَلِيٌّ أَفْضَلُ التَّلَامِيذِ - عَلِيٌّ هُوَ الْأَفْضَلُ

فاطمة فضلى التلميذات - فاطمة هي الفضلى

✓ جمع اسم تفضیل معمولاً بر وزن «أفاعِل» می‌آید.

**مثال:** أَكْبَر، أَصَاغِر، أَعَاطِم، أَفَاضِل و ...

✓ «خَيْر» اگر به معنای «بهتر، بهترین» و «شَر» اگر به معنای «بدتر، بدترین» باشد، اسم تفضیل است.

**مثال:** خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا.

شَرُّ النَّاسِ مَنْ ظَلَمَ النَّاسَ لِلنَّاسِ.

✓ وزن «أفعل» در برخی کلمات به شکل «أفَعَى - أَفَل» دیده می‌شود.

**مثال:** أَفَعَى: أَعْلَى، أَشْفَى، أَرْضَى

أَفَل: أَحَب، أَشَد، أَصَح

✓ اگر وزن «أفعل» بدون استفاده از حرف «مِن» به یک اسم مفرد و یا جمع اضافه شود، در فارسی به صورت صفت عالی ترجمه می‌شود.

**مثال:** «دماوند» أعلى جبل في إيران.

«دملود» أعلى جبال في إيران.

✓ اگر وزن «أفعل» به رنگ یا عیب دلالت کند، دیگر اسم تفضیل نمی‌باشد.

**مثال:** أَخْضَر، أَحْمَر، أَيْض، أَزْرَق، أَسْوَد، أَصْفَر و... (رنگ)

أَبْكَم، أَعْرَج و... (عیب)



اسم مکان



اسم مکان، مکان و محل یک کار یا یک حالت را نشان می‌دهد و معمولاً در گروه اول فعل‌ها (ثلاثی مجرد)، بر وزن «مَفْعَل، مَفْعَلَة» می‌آید.

**مثال:** مَفْعَل: مَكْتَب، مَجْمَع، مَشْهَد، مَقْتَل، مَصْنَع، مَطْبَع

مَفْعَل: مَسْجِد، مَجْلِس، مَنَزَل، مَغْرَب

مَفْعَلَة: مَدْرَسَة، مَقْبَرَة، مَكْتَبَة، مَطْبَعَة

✓ جمع اسم مکان معمولاً بر وزن «مَفَاعِل» می‌آید.

**مثال:** مَكَاتِب، مَجَامِع، مَشَاهِد، مَقَاتِل، مَصَانِع، مَسَاجِد، مَجَالِس، مَنَازِل، مَدَارِس، مَقَابِر و...

یادآوری:

اسم فاعل و اسم مفعول



در گروه اول فعل‌ها (ثلاثی مجرد)، اسم فاعل بر وزن «فَاعِل» و اسم مفعول بر وزن «مَفْعُول» می‌باشند.

**مثال:** فَاعِل: كَاتِب، قَاتِل، نَاطِر، جَامِع، ظَالِم و...

مَفْعُول: مَكْتُوب، مَقْتُول، مَنظُور، مَجْمُوع، مَظْلُوم و...

در گروه دوم فعل‌ها (ثلاثی مزید)، اسم فاعل و اسم مفعول با «مُ» شروع می‌شود.

برای اسم فاعل، عین الفعل (حرف دوم ریشه فعل) کسره‌دار و برای اسم مفعول، عین الفعل فتحه‌دار می‌گردد.

مُ + عین الفعل - ← مُكْرِم، مُخْرِج، مُعَلِّم، مُجَاهِد، مُسْتَخْرِج و...

مُ + عین الفعل - ← مُكْرَم، مُخْرَج، مُقَدَّم، مُجَسِّم، مُتَعَلِّق و...



هر فعلی که مفعول‌پذیر نباشد، اسم مفعول ندارد.

یعنی فعل‌های لازم اسم مفعول ندارند، مگر این‌که متعدی شوند.

یعنی گروه اول فعل‌ها اگر مفعول‌پذیر نباشد، وزن «مَفْعُول» و گروه دوم فعل‌ها اگر مفعول‌پذیر نباشد، قاعده «مُ + عین الفعل فتحه‌دار» برای اسم مفعول نخواهد داشت.

**مثال:** مَذْهُوب، مَنزُول، مَدْخُول، مَخْرُوج

مُنْقَلَب، مُتَفَاهِم، مُتَنَاسِب و... به‌عنوان اسم مفعول نداریم.

اسم مبالغه



بر کثرت و زیادی یک صفت در فعل دلالت می‌کند و بر وزن «فَعَال» و «فَعَالَة» می‌باشد، در صورتی‌که این وزن‌ها بر شغل و حرفه دلالت نکنند.

**مثال:** عَلَام، ظَلَام، مَنَاع، فِهَام، مَلَاك، سَفَاك

عَلَامَة، حَنَانَة

## سؤالات طبقه‌بندی

### تست‌های آموزشی

(سراسری تجربی - ۷۷)

- ۱- کم اسم تفضیل فی عبارة «قلب الغالمة أشد قسوة من الحجر بل هو أضل»؟  
 (۱) واحد (۲) اثنان (۳) ثلاثة (۴) أربعة
- ۲- عَیِّن ما فيه اسم المكان؟  
 (۱) كان موعد لقائنا مع الصديقات عند مدخل المدرسة.  
 (۲) كان مبدأ كتابة مقالتي حول دروسى قبل يومين.  
 (۳) ابنى؛ ليس هذا الوقت موقعاً مناسباً للعب فى الزقاق.  
 (۴) لا احب السفر بالسيارة مغرباً لأنّ الهواء مظلم.
- ۳- عَیِّن الجواب الذى ماجاء فيه اسم تفضيل:  
 (۱) أرسل الله رسوله مبشراً و نذيراً.  
 (۲) كان أبو أيوب الانصارى من أفقر الناس فى المدينة.  
 (۳) الطالب المجتهد أحقّ من الطالب المتكاسل بالجائزة.  
 (۴) انتخبت فاطمة من أحسن الألبسة فى السوق.
- ۴- عَیِّن الجواب الذى ماجاء فيه اسم التفضيل:  
 (۱) أدنى / دنيا (۲) أحسن / حُسنى  
 (۳) آخر / أخيرة (۴) أعظم / عظمى
- ۵- عَیِّن الكلمة التى بين المذكر و المؤنث مشترك:  
 (۱) صعب (۲) علامة  
 (۳) عطشان (۴) صالح
- ۶- فى أى متتخب ماجاء اسم التفضيل؟  
 (۱) أجمل / جُملى (۲) أول / أولى  
 (۳) أدنى / دنيا (۴) آخر / أخيرة
- ۷- عَیِّن اسم الفاعل من «التنظّر - صأج - أضأج» على الترتيب:  
 (۱) مُنتظّر - مُصلح - صالح (۲) مُنتظّر - صالح - مُصلح  
 (۳) ناظر - مُصلح - صالح (۴) مُنتظر - صالح - مُصلح
- ۸- مَيِّزُ الجملة التى ماجاء فيها اسم التفضيل:  
 (۱) شرّ الناس من ابتعد عنه الناس مخافة شرّه.  
 (۲) أعجز الناس من عجز عن اكتساب الإخوة.  
 (۳) لا نرى لونا أسود فى علم بلادنا.  
 (۴) اللهم اجعله فى أعلى درجة العلم.
- ۹- عَیِّن الجواب الذى لا يكون «اسم فاعل»:  
 (۱) الآخرين (۲) الأكلون  
 (۳) الضالين (۴) المُجتهدون
- ۱۰- عَیِّن ما ليس فيه اسم التفضيل:  
 (۱) أحبّ إخوانى إلى من أهدى إلى عيوبى.  
 (۲) ما سمعت أن أحداً يصل الى الخير دون كدّ.  
 (۳) غلبت الرّوم فى أدنى الأرض.  
 (۴) ذلك أرضى للرّب.
- ۱۱- عَیِّن اسم التفضيل:  
 (۱) أصفر (۲) خضراء  
 (۳) أخرس (۴) أشدّ
- ۱۲- أى جواب لم يكن للمكان؟  
 (۱) مطار (۲) مدعو  
 (۳) مسير (۴) مكاتب





۱۳- کَمِ اسْمًا مُشْتَقًّا فِي هَذِهِ الْعِبَارَةِ: «جَادِلُهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رِيكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ»

(۱) اثنان (۲) خمسة (۳) ثلاثة (۴) أربعة

۱۴- عَيْنُ الْمُشْتَمَلِ عَلَى الْمُتَضَادِّينِ:

(۱) مِنْ إِهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ (۲) أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ!

(۳) إِنَّ اللَّهَ أَهْلُ الْبَيْعِ وَ حَزْمُ الرِّبَا! (۴) إِدْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ!

۱۵- مَا هُوَ الْخَطَأُ فِي التَّنَافِي (التضاد)؟

(۱) خَيْرُ النَّاسِ مَنْ لَا يَفْعَلُ الشَّرَّ أَبَدًا (۲) إِذَا مَلَكَ الْأَرَادِلُ هَلَكَ الْأَفْضَلُ!

(۳) يُقَلِّبُ اللَّهُ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ! (۴) مَنْ إِهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَ مَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا!

۱۶- مَبْذُورُ الصَّحِيحِ فِي الْمُتَضَادِّ وَ الْمُتَرَادِفِ:

(۱) يُرْسَلُ بِمِ يَبْعُثُ (۲) الْحَيُّ = الْقَيُّومُ (۳) أَسْوَدٌ بِمِ أَبْيَضُ (۴) إِثْمٌ = ذَنْبٌ

۱۷- عَيْنُ الْخَطَأِ: (سراسری خارج از کسور- ۹۰)

(۱) أَفْضَلُ النَّاسِ غَدًا أَكْثَرُهُمْ عَقْلًا: بَرْتَرِينَ مَرْدَمِ دَرِ فَرْدِ، عَاقِلِ تَرْتِينَ أَنْ هَاسِت.

(۲) أَحْسَنُ عِبَادَةِ عِنْدَ اللَّهِ أَخْفَاهَا: بَهْتَرِينَ عِبَادَتِهَا نَزْدَ خِدَاوَنْدِ أَنْ اسْتِ كِهَ پُوشِيدِهَ بَاشِد.

(۳) اخْتَارَ اللَّهُ لِرِسَالَتِهِ اصْداقَ الرَّجُلِ لِسَانًا: خِدَاوَنْدِ بَرَايَ رِسَالَتِش رَاسْتِگُوتَرِينَ مَرْدَمِ رَا اِتْتِخَابِ كَرْد.

(۴) أَكْثَرُ الْعِبَادِ ارْتِفَاعًا فِي الدَّرَجَاتِ إِذَا كَاهَمُ: بَلِنْدِمَرْتِهْتَرِينَ بِنْدِگَانِ دَرِ رْتِهْهَآ وَ دَرَجَاتِ بَا ذِكَاوَتَرْتَرِينَ أَنْ هَاسْتِنْد.

۱۸- مَا هُوَ التَّعْرِيبُ الصَّحِيحُ لِلْعِبَارَةِ التَّالِيَةِ؟

«سَعَى بِرَأْيِ فَهَمِيدِنِ رَا زِهَآيِ دِيگَرَانِ كَارِ زِيْبَآيِي نِيَسْت.»

(۱) السَّعَى لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الْأَخْرَيْنِ أَمْرٌ جَمِيلٌ. (۲) الْمَحَاوَلَةُ لِتَعْلُمِ أَسْرَارِ الْأَخْرَيْنِ عَمَلٌ قَبِيحٌ.

(۳) السَّعَى لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الْأَخْرَيْنِ أَمْرٌ قَبِيحٌ. (۴) السَّعَى لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الْأَخْرَيْنِ لَيْسَ أَمْرًا جَمِيلًا.

۱۹- مَبْذُورُ الْخَطَأِ لِلتَّعْرِيبِ: (ازاد- ۹۰)

(۱) أَيَا شَمَا بَرَايَ امْتِحَانِ آمَادَهَآيِ! هَلْ أَنْتَ مُسْتَعَدٌّ لِامْتِحَانِ! (۲) چِنْدِ سَاعَتِ عَرَبِي مِي خَوَانِي! كَمِ سَاعَةَ تَدْرِسِ الْعَرَبِيَّةِ!

(۳) مِنْ هَرِ رُوزِ چِهَارِ سَاعَتِ دَرِسِ مِي خَوَانِمُ! نَدْرُسُ كُلَّ يَوْمٍ أَرْبَعِ سَاعَةً! (۴) زَبَانِ عَرَبِي زَبَانِ دِينِ وَ فَرِهَنگِ مَاسْتِ! الْلُغَةُ الْعَرَبِيَّةُ لُغَةُ دِينِنَا وَ ثِقَافَتِنَا!

۲۰- عَيْنُ الْخَطَأِ: (سراسری- ۹۰)

(۱) لَمَّا كُنْتُ طِفْلًا مَا زَالَ هَذَا السُّؤَالُ يَشْتَغِلُ فِكْرِي: از زَمَانِي كِهَ طِفْلِي بِيَشِ نَبُودِمِ مَسْئَلَهَآيِ پِيُوسْتِهَ ذَهْنِ مَرَا بِهَ خُودِ مَشغُولِ كَرْدِهَ بُوْد.

(۲) نَحْنُ الْمَوْجُودَاتِ الْحَيَّةِ لِمَ نَتَوْلَدُو لِمَ لَا نَعِيشُ إِلَّا لِيَزْمِنِ مَحْدُودِ، فَمَمُوتُ؟! مَا مَوْجُودَاتِ زَنْدِهَ چَرَا مَتَوْلَدِ مِي شُويْمِ وَ چَرَا فِقْطَ بَرَايِ زَمَانِي مَحْدُودِ زَنْدِگِي مِي كَنِيْمِ سِهِسِ مِي مِيرِيْمِ؟! (۳) وَ لَكِنِّي عِنْدَمَا اصْبَحْتُ أَكْبَرُ بِمَرُورِ الزَّمَنِ، وَجَدْتُ دَلِيلَ ذَلِكَ: وَ لِي بِهَ مَرُورِ زَمَانِي وَاقْتِي بَزْرَگَتَرِ شُدِمِ دَلِيلُ أَنْ رَا يَاقْتِمِ.

(۴) كَانَ الدَّلِيلُ يَرْجِعُ إِلَى مَسْأَلَةِ تَكَامُلِ الْإِنْسَانِ وَ حِكْمَةِ بَارِي الْكُونِ! دَلِيلٌ، بِهَ مَوْضُوعِ تَكَامُلِ الْإِنْسَانِ وَ حِكْمَتِ خَالِقِ هَسْتِي مَرْبُوطِ مِي شُدَا «مَا دَرِ حَالِ حَاضِرِ، نِيَاؤُ بِيَشْتَرِي بِهَ كَارِ وَ كُوشِشِ دَارِيْمِ!»

(۱) أَنَا نَحْتَاؤُ شَدِيدًا إِلَى الْحَمْدِ وَ الْعَمَلِ فِي الزَّمَانِ الْحَاضِرِ! (۲) نَحْنُ أَشَدُّ اِحْتِيَاجًا فِي الْوَقْتِ الْحَاضِرِ إِلَى الْعَمَلِ وَ الْاجْتِهَادِ!

(۳) نَحْنُ فِي اِحْتِيَاجِ أَشَدِّ مِنَ الْوَقْتِ الْحَالِي إِلَى الْعَمَلِ وَ الْجِدِّ! (۴) أَنَا نَحْتَاؤُ أَشَدُّ إِلَى الْعَمَلِ وَ الْجِدِّ الشَّدِيدِ فِي الزَّمَنِ الْحَالِي!

۲۲- عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلتَّعْرِيْبِ:

«او هر مقابل نامالیقات سخت‌تر از صخره است، لذا هر زندگی خود پیشرفت می‌کند!»

- (۱) أَنهَ أَصْلَبُ مِنَ الصَّخْرَةِ أَمَامَ الْمُصَاعِبِ، لِهَذَا تَتَقَدَّمُ فِي حَيَاتِهَا! (۲) هُوَ مُقَابِلُ الشَّدَائِدِ أَصْلَبُ مِنَ الصَّخْرَةِ، لِهَذَا قَدْ تَقَدَّمَ فِي الْحَيَاةِ!  
(۳) إِنَّهُ أَكْثَرُ اسْتِحْكَامًا مِنَ الصَّخْرَةِ مُقَابِلَ الْبَلَايَا، فَتَقَدَّمُ فِي حَيَاتِهَا! (۴) هِيَ أَشَدُّ مِنَ الصَّخْرَةِ فِي مُوَاجَهَةِ الْمَشْكَلَاتِ، فَتَنْهَبُ إِلَى الْإِمَامِ فِي الْحَيَاةِ!

۲۳- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي تَرْجُمَةِ:

«اِنَّ مُعْظَمَ مُؤَلَّفِي الْمَعَارِجِ الْمَهْمَةِ لِللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ هُمُ مِنَ الْمُسْلِمِيْنَ الْاِيْرَانِيِّيْنَ.»

(۱) عَظِيْمَتَرِيْنَ مُؤَلِّفَانِ مَهْمِ فَرْهَنْگِهَاي لَفْتِ عَرَبِيْ اَز مُسْلِمَانَانِ اِيْرَانِيْ بُوْدَنْد.

(۲) اَكْثَرُ مُؤَلِّفَانِ لَفْتِنَامَه‌هَاي مَهْمِ زَبَانِ عَرَبِيْ اَز مُسْلِمَانَانِ اِيْرَانِيْ هَسْتَنْد.

(۳) بِيْشْتَرِ تَأَلِيْفِ كُنَنْدِگَانِ مَهْمِ فَرْهَنْگِهَاي لَفْتِ عَرَبِيْ اَز مُسْلِمَانَانِ اِيْرَانِيْ هَسْتَنْد.

(۴) مَهْمَتَرِيْنَ تَأَلِيْفَاتِ لَفْتِنَامَه‌هَاي زَبَانِ عَرَبِيْ تَوْسَطِ اِيْرَانِيَّانِ مُسْلِمَانِ تَأَلِيْفِ شُدِهْ اسْت.

(سراسری هنر - ۹۳)

۲۴- «مِنَ اَفْضَلِ اَعْمَالِ الْكَرِيْمِ تَظَاهِرُهُ بِالْغَفْلَةِ عَنِ اَخْطَاءِ الْاٰخِرِيْنَ!»:

(۱) مَهْمَتَرِيْنَ كَارِ يَكِ اِنْسَانِ بَخْشَنْدِهْ تَظَاهِرِ كَرْدَنْ بِهْ بِيْ اَطْلَاعِيْ اسْتِ دَرِ مَوْرِدِ كَارِهَاي دِيْگَرَانِ!

(۲) اَزِ بَهْتَرِيْنَ كَارِهَاي اِنْسَانِ كَرِيْمِ تَظَاهِرِ كَرْدَنْ اَوْسْتِ بِهْ عَدَمِ اَطْلَاعَاتِ دَرْبَارِهْ اَشْتِبَاهَاتِ دِيْگَرَانِ!

(۳) اَزِ بَرْتَرِيْنَ اَعْمَالِ نِيْكَ اَشْخَاصِ بَخْشَنْدِهْ اِيْنِ اسْتِ كِهْ اَشْتِبَاهَاتِ دِيْگَرَانِ رَا نَادِيْدِهْ بَغِيْرَنْد!

(۴) بَرْتَرِيْنَ اَعْمَالِ شَخْصِ كَرِيْمِ اِيْنِ اسْتِ كِهْ دَرِ مَوْرِدِ خَطَايِهَاي دِيْگَرَانِ بِيْ اَطْلَاعِ جَلْوِهْ كَنْد!

(سراسری انسانی - ۸۷)

۲۵- عَيْنِ الْخَطَا:

(۱) أَلَيْسَ الْعِلْمُ أَحَبَّ إِلَيْكَ مِنَ الثَّرْوَةِ؟! أَيَا نَزِدُتُو عِلْمٌ مَحْبُوبٌ تَرِ اِز ثَرَوْتِ نَيْسْتِ؟!

(۲) اَللّهُ اَعْلَمُ بِمَا نَعْمَلُ فِي كُلِّ زَمَنْ! خِدَاوَنْدِ بَرِ اَنْ چِهْ دَرِ هَرِ زَمَانِ اَنْجَامِ مِيْ دَهِيْمِ اَكَا هَتَرِ اسْت!

(۳) هَذَا الْبَلْدَانُ اَكْبَرُ بِلْدِيْنِ شَاهِدْتَهْمَا: اِيْنِ دُوْ شَهْرِ اِزِ شَهْرِهَاي بَزَرْگِيْ هَسْتَنْدِ كِهْ اَنْ‌هَا رَا شِنَاخْتَام.

(۴) اِنْ اَحْسَنْتَ التَّلَامِيْذَ مِنْ يُسَاعِدُوْنَ الْاٰخِرِيْنَ! بَهْتَرِيْنَ دَانَشْ اَمُوْرَانِ كَسَانِيْ هَسْتَنْدِ كِهْ بِهْ دِيْگَرَانِ مَسَاعِدْتِ مِيْ كَنْد!

(سراسری - ۸۶)

۲۶- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

«بَرْتَرِيْنَ نَعْمَتِهَا سَلَامَتِيْ بَدَنْهَا اسْتِ وَ بَرْتَرِ اِزِ اَنْ تَقْوَايِ دَلْهَا!»

(۱) اَفْضَلُ نَعْمَةٍ صَحَّةِ الْجَسُوْمِ وَ الْاَفْضَلُ تَقْوَى الْقُلُوْبِ! (۲) اَفْضَلُ النَّعْمِ صَحَّةُ الْاِبْدَانِ وَ اَفْضَلُ مِنْهَا تَقْوَى الْقُلُوْبِ!

(۳) اِنَّ السَّلَامَةَ الْبَدَنِيَّةَ هِيَ النَّعْمَةُ الْحَسَنَى وَ تَقْوَى الْقُلُوْبِ اَكْبَرُهَا! (۴) كَانِ اَفْضَلُ النَّعْمَاتِ سَلَامَةُ الْاَجْسَامِ وَ اَفْضَلُ مِنْهُ تَقْوَى الْقُلُوْبِ!

(سراسری ریاضی - ۸۶)

۲۷- عَيْنِ الْخَطَا:

(۱) تَعَرَّفْتُ عَلَيَّ مِنْ هُوَ اَرْفَعُ مَقَامًا فِي بِلَادِنَا: بَا كَسِيْ كِهْ اِزِ نَظَرِ مَقَامِ دَرِ كَشُوْرِ مَا بَا لَاتَرِ اسْتِ اَشْنَا شُدْم.

(۲) اِنَّهُ يَجِدُ جَدًّا لِّلْوَصُوْلِ اِلَى النِّجَاحِ فِي الْحَيَاةِ: اَوْ بَرَايِ رَسِيْدَنْ بِهْ مَوْفَقِيَّتِ دَرِ زَنْدِگِيْ بَسِيَارِ تَلَاَشِ مِيْ كَنْد.

(۳) كَالْبَطْلِ الَّذِي يَضْحَى بِنَفْسِهِ لِكِرَامَةِ شَعْبِهِ: مَانَنْدِ پَهْلَوَانِيْ كِهْ بَرَايِ كِرَامَتِ مِلْتِهَا فِدَاكَاَرِيْ كَرْدِهْ اسْت.

(۴) فَلَنْ يَسَّاهَ النَّاسُ وَ يَتَّخِذُوْنَهُ اُسُوَّةً لَّهُمْ! پَسِ مَرْدَمِ اَوْ رَا فَرَا مَوْشِ نَخَوَانْدِ كَرْدِ وَ اَوْ رَا اَلْگُوْبِيْ بَرَايِ خُوْدِ قَرَارِ مِيْ دَهَنْد.

(سراسری تجرّبی - ۹۳)

۲۸- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي تَرْجُمَةِ:

«الْغَدُّ الْمَضِيُّ يَتَعَلَّقُ بِمَنْ يَعْرِفُ الْيَوْمَ وَ يَتَنَجَّعُ بِهْ بِاِحْسَنْ وَجِه!»

(۱) فَرْدَايِ رَوْشْنِيْ بَخْشِ اِزِ اَنْ كَسِيْ اسْتِ كِهْ اَمْرُوْزِ رَا بَشْنَا سَدِ وَ اِزِ اَنْ بِهْ بَهْتَرِيْنَ وَجِهْ سُوْدِ بِيْرْد!

(۲) فَرْدَايِي رَوْشْنِ اسْتِ كِهْ مَتَعَلِّقِ بِهْ كَسِيْ بَاشْدِ كِهْ اَمْرُوْزِ رَا دَرِيَا فْتِهْ وَ نَفْعِ خُوْبِيْ اِزِ اَنْ گَرْفْتِهْ بَاشْد!

(۳) فَرْدَايِي كِهْ دَرِخْشَانِ اسْتِ بِهْ كَسِيْ تَعَلِّقِ دَارْدِ كِهْ اَمْرُوْزِشِ رَا مِيْ شِنَا سَدِ وَ بَرْتَرِيْنَ نَفْعِ رَا اِزِ اَنْ مِيْ بَرْد!

(۴) فَرْدَايِي فَرُوْرَانِ اسْتِ كِهْ اِزِ اَنْ كَسِيْ بَاشْدِ كِهْ اَمْرُوْزِ رَا بَشْنَا سَدِ وَ بِهْ بَهْتَرِيْنَ صَوْرَتِ اِزِ اَنْ سُوْدِ بَرْدِهْ بَاشْد!





۲۹- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي تَرْجُمَةِ:

- «أَرَأَيْتَ أَصْبِرُ مِنْ قَطْرَاتِ الْمَاءِ الَّتِي تُحَدِّثُ تَقِيًّا فِي أَصْلَبِ الْأَحْجَارِ بِالسَّعْيِ وَالْمَقَامَةِ» أَيَا.....
- ۱) دیده‌ای صبورترین قطرات آب را که با سعی و مداومت، سوراخ در سخت‌ترین صخره به وجود می‌آورد.
  - ۲) صبورتر از قطره‌های آب دیده‌ای، که با سعی و مقاومت در سخت‌ترین سنگ‌ها سوراخی ایجاد می‌کنند.
  - ۳) صبری بیش از صبر قطره‌های آب دیده‌ای، که در صخره‌های سخت با سعی و مقاومت سوراخ ایجاد می‌کنند.
  - ۴) صبر این قطرات آب را می‌بینی، که چنین سوراخی با سعی و مداومت خود در صخره‌ای سخت به وجود می‌آورد.

۳۰- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي تَرْجُمَةِ:

«وَالْغَيْبَةُ، وَ هِيَ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ»

- ۱) غیبت کردن علت مهمی برای قطع روابط بین مردم است.
- ۲) یکی از علت‌های قطع ارتباط بین مردم، غیبت است.
- ۳) غیبت کردن مهم‌ترین علت قطع روابط است.
- ۴) غیبت، از مهم‌ترین علت‌های قطع روابط بین مردم است.

۳۱- عَيْنُ الْخَطَا:

- ۱) ایران اکبر من عراق: ایران بزرگ‌تر از عراق است.
- ۲) آسیا اکبر قاره فی العالم: آسیا بزرگ‌ترین قاره در جهان است.
- ۳) جبل دماوند أعلى جبال ایران: کوه دماوند بلندترین کوه‌های ایران است.
- ۴) أفضل الناس أنفعهم للناس: بهترین مردم برای مردم سودمند است.

۳۲- عَيْنُ مَا لَيْسَ فِيهِ اسْمٌ مُشْتَقٌّ:

- ۱) فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ
- ۲) رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ
- ۳) الْغَيْبَةُ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاصُلِ
- ۴) السَّكُونُ دَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فِضَّةٌ

۳۳- أَيُّ الْأَسْمَاءِ مُشْتَقَّةٌ كُلُّهَا؟

- ۱) طغاة - ضال - آخر - آخر - مطار
- ۲) كفار - مؤسس - آذ - سبيل - قميص
- ۳) جهاد - أحن - مقاتل - مدارس - مزرعة
- ۴) مشرق - كتابة - دال - مصلی - مرسل

۳۴- عَيْنُ مَا هُوَ اسْمٌ تَفْضِيلٌ كُلُّهُ:

- ۱) آخر - حمراء - أعوج - أفقر
- ۲) أشد - أحسن - أخص - أبيض
- ۳) صغرى - أفضل - أسود - أفقر
- ۴) أخوج - أحسن - حسنى - أفضل

۳۵- عَيْنُ نَوْعِ الْمَشْتَقِّ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطِّ: «يُعَلِّمُ الْعَرَبِيَّةَ التَّلْمِيذَ الْمُؤْمِنَ الَّذِي أَعْلَمَ مِنْ زَمَلَانِهِ فِي الْمَدَارِسِ الْمُخْتَلِفَةِ»

- ۱) اسم فاعل - اسم مفعول - اسم تفضيل - اسم فاعل
- ۲) اسم مفعول - اسم تفضيل - اسم مكان - اسم فاعل
- ۳) اسم فاعل - اسم تفضيل - اسم مكان - اسم فاعل
- ۴) اسم فاعل - اسم مبالغه - اسم مكان - اسم مفعول

۳۶- أَيُّ الْأَسْمَاءِ مُشْتَقَّةٌ كُلُّهَا؟

- ۱) ملاعب، صغرى، مفسر، ثواب
- ۲) قدرة، منازل، عالم، أحسن
- ۳) أحمد، نظم، معسول، خطر
- ۴) الصيد، مطائم، مؤمن، مكتب

۳۷- عَيْنُ مَا لَيْسَ فِي الْعِبَارَةِ التَّالِيَةِ:

«عِنْدُنَا قَالَ الْفَتَى «الْعَلَامَةُ»! بِشَهَامَةٍ، أَيُّهَا الْأَمِيرُ! مَنْ أَحَقُّ مِنْكَ بِالْحَكْمِ فِي هَذَا الْمَجْلِسِ؟»

- ۱) اسم مبالغه
- ۲) اسم تفضيل
- ۳) اسم فاعل
- ۴) اسم مكان

۳۸- عَيْنُ الْجَوَابِ الَّتِي لَا يَكُونُ مِنَ الْمَشْتَقَّاتِ:

- ۱) جَهْدٌ / مُجَاهَدَةٌ
- ۲) أَعْلَمُ / عَلَامَةٌ
- ۳) مَنَزِلٌ / نَازِلٌ
- ۴) مَكْتَبٌ / مَكْتُوبٌ



- ۳۹- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي تَرْجُمَةِ:  
«لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»  
(۱) شب قدر بهترین شب ماه است.  
(۲) شب قدر بهتر از هزار ماه است.  
(۳) در هزار ماه شب قدر بهترین است.  
(۴) شب قدر بهترین شب سال است.
- ۴۰- فِي أَىِّ عِبْرَةِ مَا جَاءَ «خَيْرٌ، شَرٌّ» اسْمِ التَّفْضِيلِ؟  
(۱) خَيْرٌ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ عِيوبَكُمْ  
(۲) أَنْتَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ  
(۳) هُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ  
(۴) قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ، مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ
- ۴۱- فِي أَىِّ عِبْرَةِ مَا جَاءَ الْإِسْمِ الْمَشْتَقُّ؟  
(۱) أَللَّهُمْ كَمَا حَسَنْتُ خَلْقِي، فَحَسَّنْ خُلُقِي (رسول الله (ص))  
(۲) لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ (رسول الله (ص))  
(۳) أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ. (رسول الله (ص))  
(۴) عِدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ (اميرالمؤمنين)
- ۴۲- عَيْنِ الْخَطَا عَنِ الْمَشْتَقِّ:  
(۱) سَاتِرٍ  
(۲) غَفَّارٍ  
(۳) الْعَالَمِينَ  
(۴) أَنْفَعِ

تست‌های تشبیهی

- ۴۳- عَيْنِ الصَّحِيحِ: «إِيمَانٌ بِهْ مَتَزَلَّةٌ نَرْدِيَانِيْ اِسْتِ كِهْ ۵۵ پله دَارِدْ و بِالْاَتَرِينِ اِيْنِ پله‌ها اِيْمَانِ وَاَقْعِيْ بِهْ خُدَايَسْتِ»  
(۱) اِنْ اَلْاِيْمَانِ كَسَلْمُ لِهْ عَشْرَ دَرَجَاتٍ وَ فِيْ اَعْلَى هُوَ لَاءَ الدَّرَجَاتِ اَلْاِيْمَانِ الْوَاَقْعِيْ بِاللّٰهِ.  
(۲) اَلْاِيْمَانِ مِثْلُ مَسَلْمٌ بَعَشْرَ دَرَجَاتٍ وَ الدَّرَجَةُ اَلْاَعْلَى مِنْهَا هِيَ دَرَجَةُ اِيْمَانِ اَللّٰهِ الْحَقِيْقِيْ.  
(۳) اِنْ اَلْاِيْمَانِ بِمَنْزَلَةِ مَسَلْمٌ لِهْ عَشْرَ دَرَجَاتٍ، وَ اَعْلَى هَذِهِ الدَّرَجَاتِ اَلْاِيْمَانِ الْحَقِيْقِيْ بِاللّٰهِ.  
(۴) اَلْاِيْمَانِ هُوَ السَّلْمُ الَّذِيْ لِهْ عَشْرَ دَرَجَاتٍ وَ اَعْلَى هَذِهِ الدَّرَجَةُ دَرَجَةُ اِيْمَانِ اَللّٰهِ الْوَاَقْعِيْ.  
(سراسری خارج از کشور- ۹۴)
- ۴۴- «تَاكْتُونِ دَانِشْ اَمُوْزِيْ رَا بِا هِمْتِ تَرِ اَزْ دُوَسْتِمِ دَرِ يَادِ كُورْفْتِنِ دَرُوْسِ سَخْتِ نَدِيْدِهْ اَم.»  
(۱) لَمْ اَشْهَدْ حَتَّى الْاَنِّ تَلْمِيْذَةً اَكْثَرَ مِنْ صَدِيْقَتِيْ هِمَّةً فِيْ تَعَلُّمِ الدَّرُوْسِ الصَّعْبَةِ.  
(۲) لَمْ اَزْ تَلْمِيْذًا اَشَدَّ مِنْ زَمِيْلِيْ اِهْتِمَامًا فِيْ دَرَاةِ الدَّرُوْسِ الصَّعْبَةِ حَتَّى الْاَنِّ.  
(۳) مَا سَاهَدْتُ التَّلْمِيْذَ اَشَدَّ هِمَّةً مِنْ صَدِيْقِيْ فِيْ قِرَاةِ الدَّرُوْسِ الصَّعْبَةِ اِلَى الْاَنِّ.  
(۴) مَا رَاَيْتُ اِلَى الْاَنِّ التَّلْمِيْذَةَ اَكْثَرَ مِنْ زَمِيْلَتِيْ اِهْتِمَامًا فِيْ دَرَاةِ الدَّرُوْسِ الصَّعْبَةِ.  
(سراسری خارج از کشور- ۹۱)
- ۴۵- عَيْنِ مَا فِيْهِ اِسْمُ الْمَكَانِ:  
(۱) فَمَنْ يَعْْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ.  
(۲) فِي سَبِيْلِنَا نَحْوُ التَّقَدُّمِ نَتَّحَمَّلُ مَصَاعِبَ كَثِيْرَةً.  
(۳) اِنَّمَا بُعِثْتُ لِاتِّمَمِّ مَكَارِمِ الْاَخْلَاقِ.  
(۴) وَ مَا وَاوَاهِمُ جِهَنَّمَ وَ بئْسَ الْمَصِيْرُ.
- ۴۶- كَمْ نَوْعًا مِنَ الْمَشْتَقَّاتِ جَاءَ فِيْ هَذِهِ الْعِبْرَةِ؟ «لَا يَكُوْنُ السَّاحِرُ خَيْرًا مِنَ الْمَسْحُوْرِ مِنْهُ غَالِبًا»  
(۱) وَاَحَدٍ  
(۲) اِثْنَانِ  
(۳) ثَلَاثَةٌ  
(۴) اَرْبَعَةٌ
- ۴۷- عَيْنِ مَا جَاءَ فِيْهِ اِسْمُ الْمَكَانِ وَ اِسْمُ التَّفْضِيْلِ مَعًا:  
(۱) وَ عِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْْلَمُهَا اِلَّا هُوَا  
(۲) لِمَنْدَرَسَتِنَا مَدِيْرٌ يَعْرفُ الْخَيْرَ مِنَ الشَّرِّ  
(۳) اَنَا اَعْلَمُ مِنْ يَقُوْلُ الْحَقَّ فِيْ كُلِّ مَنْظَرٍ؟  
(۴) الْمَسْجِدُ الْحَرَامُ مِنْ اَجْمَلِ الْمَسَاجِدِ فِي الْعَالَمِ!
- ۴۸- عَيْنِ مَا لَيْسَ فِيْهِ اِسْمُ مَشْتَقِّ:  
(۱) لَيْسَ شَيْءٌ اَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ  
(۲) سُبْحَانَ الَّذِيْ اَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ اِلَى الْمَسْجِدِ الْاَقْصَى  
(۳) لَا يُكَلِّفُ اللّٰهُ نَفْسًا اِلَّا وُسْعَهَا  
(۴) عِدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ